

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (1)

به یقین رسته گار شد ایمان آورنده گان. (1)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2)

آنانکه ایشان در نماز شان خشوع کننده گانند. (2)

وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (3)

و آنانکه ایشان از کردار بیهوده و گفتار یاوه روگردانانند. (3)

وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (4)

و آنانکه ایشان برای زکات کار کننده گانند. (4)

وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5)

و آنانکه ایشان برای شرمگاه های شان نگهبانانند. (5)

إِلَّا عَلَىٰ - أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (6)

مگر بر زنان شان یا آنچه صاحب شد دست های راست شان پس هر آئینه ایشان غیر ملامت شده گانند. (6)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (7)

پس کسیکه طلب کرد آن طرف این پس آنها ایشانند تجاوز کننده گان. (7)

وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (8)

و آنانکه ایشان برای امانت های شان و عهد شان رعایت کننده گانند. (8)

وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ (9)

و آنانکه ایشان بر نماز های شان مواظبت کننده گانند. (9)

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (10)

آنها ایشانند ارث برنده گان. (10)

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (11)

آنانکه ارث می برند فردوس را ایشان در آنجا همیشه باشند گانند. (11)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سُلْةٍ مِّنْ طِينٍ (12)

و البته به یقین آفریدیم ما انسان را از عصاره از گل. (12)

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (13)

باز ساختیم ما آن را نطفه ئی در قرارگاه استوار و محکم. (13)
ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ
خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (14)

باز ساختیم ما نطفه را خون بسته پس ساختیم ما خون بسته را (به شکل) قطعه گوشت جویده
شده پس ساختیم ما قطعه گوشت جویده شده را استخوان هائی پس پوشانیدیم استخوان ها را
گوشت باز پدید آوردیم ما او را آفرینش دیگری. پس بزرگ است خدا بهترین آفریننده گان.
(14)

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ (15)

باز هر آئینه شما بعد این البته می میرید. (15)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (16)

باز هر آئینه شما روز قیامت دوباره زنده کرده می شوید. (16)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (17)

و البته به یقین آفریدیم ما بالای شما هفت راه ها و نبودیم ما از آفرینش بی خبر. (17)

و أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنْتَهُ فِي الْأَرْضِ مَلَأْنَا بِهِ الْأَنْهَارَ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا شَرَاتًا فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَبَأً طَيِّبًا فَاتَّخَذْتُمُوهَا زَيْجَرًا قَدِيرًا وَمَا جَعَلْنَاهُمْ فِيهَا عَسَافًا مًسْكِينًا (18)

و فرو فرستادیم ما از آسمان آب را به اندازه پس مقیم ساختیم ما آن را در زمین؛ و هر آئینه
ما بر از بین بردن آن البته توانائیم. (18)

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاحِشٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (19)

پس پدید آوردیم ما برای شما با آن بوستان ها از درختان خرما و انگور، برای شما در آن
میوه های بسیار است و از آنها می خورید. (19)

و شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبْغٍ لِلْأَكْلِينَ (20)

و درختی که بیرون می آید از قله سینا می رویاند روغن و نان خورش برای خورنده گان.
(20)

وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُنذِرُوا مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (21)

و هر آئینه برای شما در مواشی البته پندی است؛ می نوشانیم ما شما را از آنچه در شکم های
ایشان است و برای شما در آنها منفعت های بسیاری است و از (بعضی) آنها می خورید.

(21)

وَ عَلَيْهَا وَ عَلَى الْفَالِكِ تَحْمَلُونَ (22)

و بر آنها و بر کشتی (از یکجا به جای دیگر) برده می شوید. (22)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ **و-صلى** أ فَلَا تَتَّقُونَ (23)
و البته به یقین فرستادیم ما نوح را به سوی قوم او، پس گفت: ای قوم من! بپرستید خدا را،
نیست برای شما از معبودی غیر او؛ آیا پس نمی کنید پرهیز گاری (از خشم خدا)؟ (23)
فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
لَأَنْزَلَ مَلَىٰ سَكَّةَ مَا سَمِعْنَا بِهِ هَذَا فِي -ءَابَائِنَا الْأُولَىٰ (24)

پس گفتند اشرافیان آنانکه نا معتقد شدند از قوم او: نیست این مگر بشری مانند شما می
خواهد اینکه برتر شود بر شما و اگر می خواست خدا البته می فرستاد فرشته گان را، نشنیده
ایم ما این را از پدران ما پیشین. (24)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ (25)
نیست او مگر مردی که به او است دیوانه گی پس انتظار بکشید به او تا مدتی. (25)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ (26)

گفت: پروردگار من یاری ده مرا به آنچه به دروغ نسبت کردند مرا. (26)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَارَ التَّنُورُ **و-صلى** فَاسْأَلْكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ
زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ أَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ **صلى** وَ لَا تُخْطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا **صلى** إِنَّهُمْ
مُغْرَقُونَ (27)

پس وحی فرستادیم ما به سوی او که بساز کشتی را به زیر نظر ما و وحی ما، پس وقتیکه
آمد فرمان ما و جوش زد تندور پس بگذار (داخل کن) در آن از همه جنس ها دو عدد (مذکر
و مؤنث) و خانواده خود را مگر آنکه گذشته بر او سخن از ایشان؛ و نگو سخن با من در
باره آنانکه ستم کردند؛ هر آئینه ایشان غرق شده گانند. (27)

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (28)

پس وقتیکه بر قرار شدی تو و کسانی که همراه تو اند بر کشتی، پس بگو: ستایش و سپاس
برای خدا است آنکه نجات داد ما را از قوم ستم گران. (28)

وَ قُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (29)

و بگو: پروردگار من فرود آر مرا فرود آمدن پر برکت و توئی بهترین فرود آورنده گان.
(29)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَ إِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (30)

هر آئینه در این البته نشانه ها است و هر آئینه بودیم ما آزمایش کننده گان. (30)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (31)

باز به وجود آوردیم ما از بعد ایشان نسل دیگری را. (31)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ **و-صلى** أ فَلَا تَتَّقُونَ (32)

پس فرستادیم ما در میان ایشان پیغمبری از ایشان اینکه بپرستید خدا را، نیست برای شما از معبودی غیر او؛ آیا پس پرهیز گاری نمی کنید (از خشم خدا)؟ (32)

وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ أَنْتَرَفْتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (33)

وگفتند اشرافیان از قوم او آنانکه نا معتقد شدند و به دروغ نسبت کردند به ملاقات آخرت و آسوده گی داده بودیم ما ایشان را در زنده گانی دنیا: نیست این مگر بشری مانند شما می خورد از آنچه می خورید شما از آن و می نوشد از آنچه می نوشید شما. (33)

وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ (34)

و البته اگر فرمانبرداری کردید بشری مانند شما را، هر آئینه شما آن وقت البته زیان رسیده گان باشید. (34)

أَيَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَابًا وَ عِظًا مَا أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ (35)

آیا می دهد وعده شما را اینکه شما وقتیکه مردید و باشید خاکی و استخوان هائی اینکه شما بیرون کرده می شوید؟ (35)

هَيَّاهَاتَ هَيَّاهَاتَ لِمَا تُوْعَدُونَ (36)

بعید است، بعید است برای آنچه وعده داده می شوید. (36)

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (37)

نیست این مگر زنده گانی ما دنیا، می میریم و زنده گی می کنیم و نیستیم ما دوباره زنده شده گان. (37)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَ مَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (38)

نیست او مگر مردی که بر بسته است بر خدا دروغی و نیستیم ما برای او باور کننده گان. (38)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ (39)

گفت: پروردگار من یاری ده مرا به آنچه به دروغ نسبت کردند مرا. (39)

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ (40)

گفت: به لحظه اندکی البته می شوند پشیمانان. (40)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غَنَاءً فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (41)

پس گرفت ایشان را آواز سخت به حق پس ساختیم ما آنها را (مانند) برگهای خشکیده و درهم شکسته. پس دوری باد برای قوم ستم گاران. (41)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ (42)

باز به وجود آوردیم ما از بعد ایشان نسل های دیگری را. (42)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتُنْخِرُونَ (43)

نه پیش کرده می تواند از ملتی وقت معین آن را و نه به تأخیر انداخته می توانند. (43)
ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا ^{اسی} كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَا لَهُمْ آحَادِيثًا
فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (44)

باز فرستادیم ما پیغمبران ما را پی در پی؛ هر زمانی که آمد ملتی را پیغمبر آن به دروغ
نسبت کردند او را. پس ساختیم ما تا تعقیب کنند بعضی ایشان بعضی را و ساختیم ما ایشان
را افسانه ها. پس دوری باد بر قومی که نمی آورند ایمان. (44)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ (45)

باز فرستادیم ما موسی و برادر او هارون را با نشانه های ما و دلیل واضح. (45)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلٰٓئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا عٰلِينَ (46)

به سوی فرعون و اشرافیان او پس تکبر کردند و بودند قومی خود ستایان. (46)

فَقَالُوا ^ا اٰ نُوْمِنُ لِبَشَرِيْنَ مِثْلٰنَا وَ قَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُونَ (47)

پس گفتند: آیا ایمان بیاوریم ما برای دو بشری مانند ما و قوم آن دو برای ما اطاعت کننده
گانند؟ (47)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِيْنَ (48)

پس به دروغ نسبت کردند آنها را پس شدند از هلاک شده گان. (48)

وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (49)

و البته به یقین دادیم ما موسی را کتاب را تا بود ایشان راه یاب شوند. (49)

وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً وَ ءَاوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رُبُوَّةٍ ذٰتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ (50)

و ساختیم ما پسر مریم را و مادر او را نشانه و جای دادیم ما هر دوی ایشان را به سوی
زمین بلندی دارای آرامش و آب روان (چشمه ئی). (50)

يٰۤاَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَ اَعْمَلُوا صٰلِحًا ^{اسی} اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (51)

ای پیغمبران بخورید از پاکیزه ها و بکنید کار نیکو؛ هر آئینه من به آنچه می کنید دانا هستم.
(51)

وَ اِنَّ هٰذِهِ ^ا اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَ اَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (52)

و هر آئینه این است ملت شما ملتی یگانه و من پروردگار شما هستم پس از (خشم) من

بپرهیزید. (52)

فَتَقَطَّعُوْا ^ا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا ^{اسی} كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ (53)

پس قطعه، قطعه کردند کار شان را میان ایشان پراکنده کنان؛ هر گروهی به آنچه نزد ایشان است شادمانی می کنند. (53)

فَذَرُهُمْ فِي عَمْرِيَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ (54)

پس بگذار ایشان را در غرقاب ایشان تا مدتی. (54)

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ (55)

آیا می پندارند اینکه آنچه وسعت می دهیم ما ایشان را به آن از دارائی و فرزندان؟ (55)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ (56)

سرعت می دهیم ما برای ایشان در نیکوئی ها؟ بلکه نمی فهمند. (56)

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (57)

هر آینه آنانکه ایشان از خوف پروردگار شان در هراس هستند. (57)

وَالَّذِينَ هُمْ بِبَنَائِتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (58)

و آنانکه ایشان به آیت های پروردگار ایشان ایمان می آورند. (58)

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (59)

و آنانکه ایشان به پروردگار شان نمی کنند مقرر شریک. (59)

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (60)

و آنانکه می دهند آنچه دادند و دل های شان ترسان از اینکه ایشان به سوی پروردگار شان باز گشت کننده گانند. (60)

أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ (61)

آنها می کنند سرعت در نیکی ها و ایشان برای آنها پیش قدمی می کنند. (61)

وَلَا تَكُلْفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ وَلَدِينَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ ۗ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (62)

و نمی دهیم تکلیف نفسی را مگر به قدر توان او؛ و نزد ما کتابی است که می گوید سخن به حق (نامه اعمال). و ایشان نمی شوند ستم. (62)

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي عَمْرَةٍ مِنْ هَذَا ۗ وَ لَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ ۗ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (63)

بلکه دل های شان در غرقاب است از این (سخن) و برای ایشان کار هائی است از غیر این، ایشان برای آنها کار کننده گانند. (63)

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْتَرُونَ (64)

تا اینکه وقتی که گرفتیم ما آسوده گان ایشان را به عذاب آنگاه ایشان ناله و فریاد می کنند. (64)

لَا تَجْرُوا الْيَوْمَ **مِ** إِنْكُمْ مَّنَّا لَا تُنْصَرُونَ (65)

نکنید ناله و فریاد امروز؛ هر آینه شما از جانب ما یاری داده نمی شوید. (65)

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُنَلَّىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَيَّ **ا** - أَعْقَبِكُمْ تَنْكِبُونَ (66)

به یقین بود آیت های من خوانده می شد بر شما پس بودید بر عقب های خود بر می گشتید. (66)

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ **سَمِرًا** تَهْجُرُونَ (67)

تکبر کنان به آن، شبانه قصه گوین ترک می کردید. (67)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (68)

آیا پس نکردند تأمل سخن را یا آمده است ایشان را آنچه نیامده بود پدران ایشان را پیشین؟ (68)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (69)

یا نمی شناسند پیغمبر خود را پس ایشان برای او انکار کننده گانند؟ (69)

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ **جِنَّةٌ** بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (70)

یا می گویند به او دیوانه گی است؛ بلکه آمد به ایشان با حق و بسیاری ایشان برای حق بدبینانند. (70)

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ **ء** بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (71)

و اگر پیروی می کرد الحق آرزو های ایشان را البته تباه می شد آسمان ها و زمین و آنکه در آن ها است. بلکه دادیم ما ایشان را پند ایشان را پس ایشان از پند شان رو گردانانند. (71)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ **خَيْرٌ** **مِ** وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (72)

یا می پرسی (خواهی) از ایشان مزدی؟ پس مزد پروردگار تو بهتر است؛ و او بهترین روزی دهنده گان است. (72)

وَ إِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (73)

و هر آینه تو البته می خوانی ایشان را به سوی راه راست. (73)

وَ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ (74)

و هر آینه آنانکه نمی آورند ایمان به آخرت از راه البته انحراف کننده گانند. (74)

وَ لَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَ كَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَّجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (75)

و اگر رحم می کردیم ما بر ایشان و بر میداشتیم ما آنچه به ایشان است از مشکلات البته

اصرار می کردند در سرکشی شان سرگردان شده گان. (75)

و لَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ (76)

و البته به یقین گرفتیم ما ایشان را به عذاب پس نکردند تواضع برای پروردگار شان و نمی کنند زاری. (76)

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (77)

تا اینکه وقتی که باز کردیم بر ایشان دری دارای عذاب سخت آنگاه ایشان در آنجا نا امید شونده گانند. (77)

وَ هُوَ الَّذِي - أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (78)

و او است آنکه پدید آورد برای شما شنوایی را و چشم ها را و دل ها را. اندک است آنچه سپاس گذاری می کنید. (78)

وَ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (79)

و او است آنکه پراکنده ساخت شما را در زمین و به سوی او جمع کرده می شوید. (79)

وَ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ لَهُ اخْتَلَفُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (80)

و او است آنکه می کند زنده و می میراند و برای او است آمد و رفت شب و روز. آیا پس نمی فهمید؟ (80)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (81)

بلکه گفتند: مانند آنچه گفتند پیشینیان. (81)

قَالُوا - أَعْزَابَنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظْمًا أَعْزَابًا لِمَبْعُوثُونَ (82)

گفتند: آیا وقتی که مردیم ما و شدیم خاکی و استخوان هائی آیا هر آئینه ما البته دوباره زنده کرده می شویم؟ (82)

لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَ ءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (83)

البته به یقین وعده داده شده بودیم ما و پدران ما این را از پیش (نیز)، نیست این مگر افسانه های پیشینیان. (83)

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (84)

بگو: برای چه کسی است زمین و کسانی که در آن است، اگر هستید شما می دانید؟ (84)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۗ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (85)

به زودی می گویند: برای خدا. بگو: آیا پس نمی شوید پند پذیر؟ (85)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (86)

بگو: کیست پروردگار آسمان های هفت گانه و پروردگار عرش بزرگ؟ (86)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَمْ فَلَا تَتَّقُونَ (87)

به زودی می گویند: برای خدا. بگو: آیا پس نمی کنید پرهیزگاری (از خشم خدا)؟ (87)

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (88)

بگو: کیست آنکه به دست او است پادشاهی همه چیز و او پناه می دهد و نمی شود داده پناه بر خلاف او، اگر هستید شما می دانید؟ (88)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (89)

به زودی می گویند: برای خدا. بگو: پس چگونه مسحور کرده می شوید؟ (89)

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ (90)

بلکه دادیم ما ایشان را حق و هر آینه ایشان البته به دروغ نسبت کننده گانند. (90)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ مَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (91)

نگرفته است خدا از فرزندی و نیست همراه او از معبودی. آن وقت البته می رفت هر معبودی با آنچه آفریده بود و البته غالب می شد بعضی ایشان بر بعضی. پاک است خدا از آنچه بیان می کنند. (91)

عَلِيمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَتَعَلَّىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (92)

دانای نادیده و آشکارا پس بلند تر است از آنچه شرک می ورزند. (92)

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ (93)

بگو: پروردگار من! اگر بنمایی مرا آنچه وعده داده می شوند. (93)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (94)

پروردگار من! پس نساز مرا در گروه ستم گران. (94)

وَ إِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعْدُهُمْ لَقَادِرُونَ (95)

و هر آینه ما بر آنکه بنمائیم ترا آنچه وعده می دهیم ما ایشان را البته توانائیم. (95)

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (96)

دفع کن به آنچه که آن بهتر است بدی را. ما دانا تریم به آنچه می کنند بیان. (96)

وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ (97)

و بگو: پروردگار من! پناه می برم من به تو از تحریکات شیطان ها. (97)

وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (98)

و پناه می برم من به تو پروردگار من! اینکه حاضر شوند (پیش من). (98)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (99)

تا اینکه وقتی که آمد یکی از ایشان را مرگ، گفت: پروردگار من! برگردان مرا. (99)
لَعَلِّي - أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ، كَلَّا، إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا، وَ مِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (100)

تا بود من کنم کار نیکو در آنچه گذاشتم. نه چنین باشد. هر آئینه این سخنی است که او گوینده آن است؛ و آن طرف ایشان حجابی است تا روزی که دوباره زنده کرده می شوند. (100)
فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ (101)

پس وقتی که دمیده می شود در صور، پس نباشد خویشاوندی میان شان آن روز و نه از یکدیگر می پرسند. (101)

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (102)

پس کسی که سنگین شد ترازوی او پس آنها ایشانند رسته گاران. (102)

وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (103)

و کسی که سبک شد ترازوی او پس آنها آنانند که زیان کردند نفس های خود را، در دوزخ همیشه باشندگان. (103)

تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالِحُونَ (104)

می سوزاند روی های شان را آتش و ایشان در آنجا چهره درهم کشیده می باشند. (104)

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُنلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ (105)

آیا نمی شد آیت های من خوانده بر شما پس بودید شما به آنها به دروغ نسبت کننده گان؟ (105)

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (106)

گفتند: پروردگار ما چیره شد بالای ما بدبختی ما و بودیم ما گروه گمراهان. (106)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (107)

پروردگار ما! بیرون آور ما را از اینجا پس اگر بر گردیدیم (به نا معتقدی) پس هر آئینه ما ستم گاران باشیم. (107)

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونَ (108)

گفت: بمانید خوار در آنجا و نگوئید سخن با من. (108)

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا إِعْمَانًا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (109)

هر آئینه (آنجا) بود گروهی از بنده گان من، می گفتند: پروردگار ما! ایمان آوردیم ما پس بیامرز برای ما و رحم کن بر ما و توئی بهترین رحم کننده گان. (109)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (110)

پس گرفتید ایشان را به مسخره گی تا اینکه فراموش گردانیدند شما را یاد من و بودید شما به آنها می خندیدید. (110)

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ (111)

هر آئینه من پاداش دادم ایشان را امروز به سبب آنچه که شکیبائی کردند، اینکه آنها ایشانند کامیابان. (111)

قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (112)

گفت: چقدر به سر بردید (ماندید) در زمین به شمار سالها؟ (112)

قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمِ فَسَلِّ الْعَادِينَ (113)

گفتند: ماندم روزی یا حصه روز پس بپرس شمار کننده گان را. (113)

قَالَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (114)

گفت: نماندید مگر اندکی؛ اگر اینکه شما بودید می دانستید. (114)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (115)

آیا پس پنداشتید اینکه آفریدیم ما شما را بیهوده و اینکه شما به سوی ما نمی شوید بر گردانیده؟ (115)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (116)

پس برتر است خدا پادشاه الحق؛ نیست معبودی مگر او پروردگار عرش گرامی قدر. (116)

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (117)

و کسی که می خواند همراه خدا معبود دیگری، نیست دلیلی برای او به آن پس جز این نیست که حساب او نزد پروردگار او است. هر آئینه او نمی سازد رسته گار نا معتقدان را. (117)

وَ قُلْ رَبِّ اعْفُرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (118)

و بگو: پروردگار من! بیامرز و رحم کن و توئی بهترین رحم کننده گان. (118)